

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۱ اپریل ۲۰۲۴

## در کنفرانس ضدامنیتی مونیخ چه گذشت

شصتمین کنفرانس امنیتی مونیخ ۱۶ فبروری ۲۰۲۴ در شهر مونیخ المان برگزار شد که مقامات ۱۸۰ کشور در آن شرکت کردند. در این کنفرانس ۸۰۰ نفر، از جمله ۵۰ تن از روسای دولت‌های جهان حضور داشتند. سایه بحران‌های اوکراین، غزه و یمن در این کنفرانس سنگینی می‌کرد. ایران و روسیه همانند سال گذشته به این کنفرانس، که تحت سلطه غرب و بر اساس منویات آنها برگزار می‌شود دعوت نشده بودند. آنچه در این اجلاس به عیان ملموس بود عدم هماهنگی غرب در برخورد به مسأله اوکراین و مسأله مرگ عنصر منفوری به نام «الکسی ناوالنی» در زندان روسیه بود. در حالیکه زلنسکی رئیس جمهور دست نشانده اوکراین با جملاتی حزن‌انگیز و دراماتیک از غرب طلب کمک مالی، اسلحه و مهمات بیشتر می‌کرد گفت: «از من نپرسید که جنگ کی پایان خواهد یافت، بلکه از خودتان سوال کنید!!» گرچه جان مردم اوکراین برای غرب اهمیتی ندارد و تا زمانی که جنگ اوکراین برای سیاستمداران و صنایع نظامی به صرفه باشد آنها، به ویژه امپریالیسم امریکا، آن را طولانی‌تر خواهند کرد، حتی اگر صدها هزار نفر در این جنگ جان خود را از دست بدهند، ولی واقعیت اینست که در صورت پیروزی جمهوریخواهان در انتخابات نومبر آینده و قطع کمک‌های اوکراین از سوی این کشور، اروپا به هیچ وجه قادر نخواهد بود که این کمبود را جبران کند. در واقع شبح ترمپ بر فضای کنفرانس مونیخ در گشت و گذار بود یعنی همان کسی که رای جمهوریخواهان را در کنگره در رابطه با کمک ۶۰ میلیارد دلاری به اوکراین منفی ساخت، همان کسی که کشورهای اروپائی را که زیر ۲٪ از تولید ناخالص ملی خود را خرج تسلیحات ناتو می‌کنند تهدید کرد که در صورت نیاز آنها به حمایت امریکا، ما از آنها دفاع نخواهیم کرد.

آقای «جی دی وانس» نماینده بلامنازع ترمپ در این کنفرانس در واقع «بند را آب داد»، زمانی که گفت «امریکا معتقد است که در آینده چین دشمن اصلی است و به همین دلیل تایوان به کمک فوری نیاز دارد». ترمپ در واقع ستراتیژی جنگ علیه رقیب تجاری بزرگ امریکا را دنبال می‌کند. «وانس» در ادامه می‌افزاید «اسرائیل هم باید با پول و اسلحه مورد حمایت قرار گیرد، بنابراین امریکا قادر به پرداخت کمک به اوکراین نخواهد بود». اما صدراعظم المان که در دولت ائتلاف سه حزبی‌اش سیاست ستراتیژیک میلیتاریستی جنگ علیه روسیه را دنبال می‌کند به عکس آقای «وانس» در این کنفرانس گفت: «جنگی که در مرکز اروپا در جریان است به از خودگذشتگی ما

نیاز دارد. پولی که ما امروز می‌باید برای امنیت آینده (تکیه از ماست) خود بپردازیم قطعا در زمینه‌های دیگر (بخوان در زمینه‌های رفاهی و اجتماعی) کم خواهیم آورد». این در حالی است که دولت المان در سال جاری، ۲٪ از تولید ناخالص ملی را که ناتو برای هر کشور عضو در زمینه تجهیزات نظامی تعیین کرده است به مصرف رسانده است و اکنون وزیر دفاع (بخوان وزیر جنگ) این کشور حتی خواهان افزایش این مبلغ به ۴٪ شده است! تنها در سال گذشته دولت المان ۱۰۰ میلیارد یورو خرج خرید اسلحه کرده است. به نظر می‌رسد که امپریالیسم المان سیاست رهبری اروپا در جنگ علیه روسیه را دنبال می‌کند.

در این رابطه امانوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه که او هم داعیه رهبری اروپا را در سر می‌پروراند و در این رابطه رقیب سر سخت المان به شمار می‌آید، روز دوشنبه ۲۶ فبروری در کنفرانس «کمک به اوکراین» اعلام کرد که «فرانسه حضور ارتش کشورهای غربی در اوکراین را پیشنهاد می‌کند». او با علم به اینکه بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله المان با این پیشنهاد توافق نخواهند کرد، اضافه کرد: «هر کشوری می‌تواند رأساً و مستقلاً در این مورد تصمیم بگیرد». ماکرون که در واقع روی سخنش با صدراعظم المان بود اضافه کرد: «خیلی از آدم‌ها که امروز «هرگز، هرگز» می‌کنند، همان کسانی هستند که دوسال پیش می‌گفتند «تانک؟ هرگز، هرگز، هوایمای جنگنده؟ هرگز، هرگز، راکت‌های دوربرد؟ هرگز، هرگز!!». هم اکنون امریکا و اعضای ناتو صدراعظم المان را که مخالف تحویل راکت‌های دوربرد «تاوروس» (Taurus) - به مسافت ۵۰۰ کیلومتر - به اوکراین است شدیداً تحت فشار قرار داده‌اند.

در حالیکه «رابرت کیتس» رئیس اسبق سیا بر این نظر است که با سقوط شهر «آودیوکا» در استان دونباس، ارتش روسیه امکان پیشروی بیشتر و سریع‌تر پیدا کرده است و عملاً ابتکار عمل را در جنگ اوکراین در دست دارد، شکاف بین متحدان اوکراین در ماه‌های اخیر، دولت اوکراین را بیش از پیش نگران کرده است. حتی در محافل اروپایی اغلب این پرسش مطرح است که آیا متحدان غربی اوکراین بدون کمک امریکا قادرند از جنگ دفاعی علیه روسیه حمایت کنند یا نه؟

به جرات می‌توان گفت که کنفرانس امنیتی مونیخ علی‌الاصول در خدمت مجهز کردن هر چه بیشتر ارتش‌های کشورهای غربی جهت هر چه ناامن‌تر کردن جهان برگزار شد. بی جهت نیست که «فریدریش مرتس» (Freidrich Merz)، رهبر حزب دمکرات مسیحی المان (CDU) و «روبرت هابک» (R. Habeck) وزیر اقتصاد این کشور (از حزب سبزها) هر دو بر این نظرند که «چه ترمپ در انتخابات ریاست جمهوری آینده امریکا پیروز شود چه نشود المان باید با تقویت قدرت نظامی و گسترش تسلیحاتی، اروپا را تقویت کند!» بدون اینکه مشکل تامین مالی این حجم از بودجه دفاعی را حل کرده باشند. واقعیت اینست که اروپایی‌ها ناچارند سیاست‌های ایالت متحده را، که در جهت تضعیف هم روسیه و هم اروپا اتخاذ شده‌اند عملی سازند، در صورتیکه عواقب این سیاست چه از لحاظ امنیتی و چه به لحاظ اقتصادی گریبان مردم این کشورها را سخت می‌فشارد. فشار به مردم برای آنها اهمیت ندارد و با سیاست نشر دروغ، سانسور، سرکوب و روس‌ستیزی و دیوسازی از ولادیمیر پوتین رئیس جمهور منتخب و محبوب در میان مردم روسیه تلاش دارند خفقان، سرکوب، نارضائی عمومی را هدایت و کنترل کنند.

از سوی دیگر واقعیت اینست:

که اوکراین حتی با پشتیبانی همه جانبه ناتو قادر نیست بر روسیه غلبه کند. بسیاری از کارشناسان بر این نظرند که جنگ در اوکراین نه تنها به بن بست نرسیده است، بلکه روسیه به علت برتری نظامی در حال پیشروی است. در حالیکه زلنسکی به دلیل خالی بودن خزانه مالی و انبارهای مهمات کشور و نیز واپس زدن امریکا و ته کشیدن انبار مهمات کشورهای اروپایی، امکان تهیه تجهیزات و مهمات لازم در جنگ برایش به حداقل ممکن رسیده است. علاوه بر

همه اینها او به ۵۰۰ هزار سرباز نیاز دارد که علیرغم فراخوان واجدین شرایط، کسی حاضر به شرکت در جبهه‌های جنگ نیست. اما روسیه گرچه با تحریم‌های بی‌سابقه غرب که رقم آنها به ۱۸۶۷ فقره رسیده است روبروست، با حفظ نرخ ارز کشور، رشد ذخیره مالی و رشد ۳/۴ اقتصادش پنجمین اقتصاد اروپا به شمار می‌آید. حتی بانک جهانی افزایش رشد اقتصادی در روسیه را در سال ۲۰۲۴ پیش بینی کرده است.

در این رابطه آنچه مانند خاری در چشم گردانندگان کنفرانس می‌خلد، تغییر قطب‌بندی جهان است که نه تنها از نظر اقتصادی که حتی از نظر نظامی نیز به ناتو و سردمدارانش افسار زده و نشان داده است که دیگر دوره یک‌تازی، تجاوز و تعرض به تمامیت ارضی سایر کشورها به پایان رسیده است.

بنابر آنچه در کنفرانس مونیخ گذشت می‌توان گفت که نتیجه ملموس و مطلوبی برای گردانندگان ناتوی آن به بار نیآورد، بلکه به جرات می‌توان گفت که با شکست مواجه شد.

برنامه سرشار از دروغ و سانسور کانال یک تلویزیون المان (ARD) اعتراف کرد: «در پایان کنفرانس در ماندگی و یاس بر چهره شرکت کنندگان نقش بسته بود». بی جهت نیست که ناتوی‌ها در نظر دارند که «در آینده این کنفرانس را با تعداد کمتر و نیز مسائل محدودتر و مهمتر برگزار کنند!...».

گردانندگان ناتوی کنفرانس مذکور در عین حال برای جبران شکست کنفرانس، که با تابلی امنیت ولی گسترش جنگ و ناامنی برگزار شد، با علم کردن مسأله مرگ «ناوالنی» در زندان و دعوت از همسر وی و نیز هواکردن مجدد پرچم کاذب «زن زندگی آزادی» و دعوت از عناصر معلوم‌الحالی چون مسیح علی نژاد (معصومه علینژاد قمی‌کلا)، رضا پهلوی و نازنین بنیادی کوشیدند تا افکار عمومی را از سیاست‌های جنگ افروزان خود منحرف سازند.

اما نگاهی کوتاه به نامه مادر نوالنی به همسر پسرش مینی بر هرزگی وی و دوری جستن از سرنوشت پسرش، در حقیقت دورویی و تزویر گردانندگان کنفرانس مونیخ، که به قصد سوءاستفاده از مرگ نوالنی همسر وی را دعوت کرده تا به عنوان ابزاری علیه روسیه استفاده کنند برملا می‌کند.

هر آنچه در این کنفرانس در تقویت ناتو برای به اصطلاح دفاع از اوکراین جد و جهد شد، در رابطه با جنایات اسرائیل در غزه نه توافقی برای آتش بس حتی موقت صورت گرفت و نه سخنی از راه حل دودولتی به میان آمد. برعکس، «کنفرانس امنیت مونیخ» به رهبری ناتوی‌ها به دولت اسرائیل برای ادامه جنایاتش در غزه نه تنها چراغ سبز نشان دادند، بلکه به ادامه حمایت‌های مالی و تسلیحاتی به این کشور جعلی وفادار ماندند.

این حمایت بی‌شرمانه در حالی صورت می‌گیرد که ارتش اسرائیل بیش از ۳۰ هزار فلسطینی که ۱۲۰۰۰ تن از آنان کودکان و نوزادان (حماسی‌های «تروریست» فردا!!!؟؟) بودند را در غزه به هلاکت رسانده، ۷۰ درصد خانه‌های مسکونی غزه را منهدم ساخته، بیماری در آنجا شیوع یافته، گرسنگی همه‌گیر شده و سازمان ملل گزارش داده که غزه در معرض خطر قحطی است. رهبران صیهونیست آدمخوار اسرائیل نیز علناً قصد تخلیه ساکنان غزه را بیان می‌دارند و از جوامع بین‌المللی می‌خواهند که آنها را در کشورهای جدید میزبان سکنی دهند!! حتی نیویورک تایمز نوشت: «کوچ اجباری فلسطینی‌ها از غزه جدی است» و هشدار داد که «امریکا باید با افراطگرایی مقابله کند».

اما همین روزنامه در ادامه نوشت که: «به طور روز افزون این طور به نظر می‌آید که امریکا این جنگ را برای حذف تمام ساکنین غزه تضمین و پا نویسی کرده است». اگر نام این رفتار ضدبشری نسل‌کشی و جنایت جنگی نیست پس چیست؟ اما سران ناتوی شرم نمی‌کنند که علی‌رغم تمام این جنایات به حمایت از اسرائیل ادامه دهند و بی‌شرمانه خود را حامی حقوق بشر و طرفدار آزادی نیز جلوه دهند.

اما اسرائیل علی‌رغم «عزّ و تیز» هائی که شب و روز در ملاء عمومی پیرامون پیروزی بر حماس می‌کند در عمل شکست خورده است. زیرا علی‌رغم اقوال روزمره‌اش، هنوز با گذشت بیش از پنج ماه از تجاوز به نوار غزه، حماس را شکست نداده، بلکه با وی یعنی با «یک سازمان تروریستی» به عنوان طرف مقابل نزاع جهت مذاکره برای آتش‌بس و تبادل اسراء، با شرکت اربابش امریکا و نیز مصر و قطر بر سر یک میز اجلاسه است.

انزوای اسرائیل در جهان روبه افزایش است. تنها در جریان دادگاه بین‌المللی لاهه ۵۲ کشور عملاً اسرائیل را محکوم کردند. هر هفته در اقصی نقاط جهان از آفریقا گرفته تا آسیا، از امریکا و امریکای لاتین گرفته تا اروپا صدها هزار نفر در دفاع از فلسطین و علیه جنایات اسرائیل در غزه به خیابان‌ها می‌آیند.

دعوت گردانندگان کنفرانس مونیخ از افراد مزدوری چون رضا پهلوی، نازنین بنیادی و معصومه علی نژاد قمی‌کلا که از بعد از به بار آوردن خیمه‌شب‌بازی «منشور انقلاب» ۸ نفره که در اثر یک‌تازی و سلطه‌جویی «وارث تاج و تخت» به آن سرنوشت مفتضح و در عین حال شرم‌آور ختم شد و همچون قصری مقوائی فروریخت، در واقع به ملت ایران دهن کجی و توهمین بزرگی کردند.

امنیت‌نمایان جنگ‌طلب که چپ و راست کشور ایران را به حمله نظامی تهدید می‌کنند، باید هم، چنین عناصری را به کنفرانس ضدامنیتی مونیخ دعوت کنند چون آنها نیز «سر مار را در ایران می‌بینند» و خواهان تجاوز نظامی به ایران هستند.

معصومه علینژاد قمی‌کلا، نرگس محمدی، شیرین عبادی، سپیده قلیان، بهاره هدایت و خیل عظیم اصلاح‌طلبان به نمایندگی فکری افرادی نظیر غنی‌نژادها، مرعشی‌ها و زیبا کلام‌ها و... هر یک به نوعی خود را در خدمت اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی غرب قرار داده و خواهان تحریم هر چه بیش‌تر ایران و در نهایت تجاوز نظامی به ایران برای تعویض رژیم ج. ا. با رژیم دلخواه غرب می‌باشند. در اینجا بد نیست که به نکاتی از نامه بهاره هدایت به مثابه نماینده فکری عشاق غرب که چند ماه پیش در زندان نوشته است اشاره کنیم.

او در نوشته نسبتاً مفصل خود تحت عنوان «ابده لیبرال نمایندگی روشنی در اپوزیسیون ندارد»، با وقاحتی کم نظیر می‌نویسد: «ما... انقلاب ۵۷ را سیاه‌ترین تاریخ معاصر این سرزمین می‌شناسیم...» او در عین حال از «جهانی که درون ۵۷ زاده شده» می‌گوید ولی کلامی از وابستگی رژیم شاه به غرب به ویژه از پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که عملاً پایه‌های انقلاب مردمی ۱۳۵۷- که یکی از ۴ انقلابات بزرگ تاریخ جهان به شمار می‌آید- از همان زمان بنا شد، سخنی به میان نمی‌آورد.

و از اینکه شاه به مثابه نوکر امریکا و انگلیس پس از کودتا با قلع و قمع کردن کلیه نیروهای دموکرات و آزادیخواه عملاً دست بیش از ۱۰۰ هزار آخوند را جهت تحمیق توده‌ها در اقصی نقاط ایران باز گذاشت، و وقتی خمینی به ایران آمد جملگی به کادر او تبدیل شدند، بر قلم نمی‌راند. زیرا ایشان وظیفه خود می‌دانند که شاه را به مثابه نوکر غرب در کنف حمایت خود گیرد. ایشان که از «فضای ۵۷» می‌نالند نمی‌گویند که این «سربازان» شه ساخته و در اختیار شیخ قرار گرفته بودند که آن «فضای ۵۷» را آفریندند و به آن تداوم بخشیدند. زیرا به دیده ایشان بقا و رشد کشور در گرو وابستگی به غرب می‌باشد و چپ، خائن به کشور است زیرا با غرب سر ستیز دارد!!

اینکه «اسلام سیاسی» محصول دوره پهلوی، عامل سرکوب دموکرات‌ها و چپ‌ها است و در عمل دموکراسی را در نطفه خفه کرد، در چارچوب فکری خانم هدایت و سلطنت طلبان همفکر ایشان محلی از اعراب ندارد.

به دیده ما این آوای سلطنت‌طلبان و لیبرال‌های ناقص‌الخلقه ایران در کوبیدن چپ که به طور عمده کمونیست‌ها مدّ نظرشان هستند، آب‌خورش همان غربی است که نمی‌بایست در دوره انقلاب ۵۷ علیه آن می‌بود و مردم ایران می‌بایست

به ادامه سلطه آنان تن در می‌دادند. این دو نیرو امروز نیز که غرب برای چنگ انداختن کامل بر میهن ما خیز برداشته و از هر فرصتی، از جمله کنفرانس ضدامنیتی مونیخ استفاده می‌کند، وظیفه خود را قداست بخشیدن به غرب و توجیه جنایات آنها از یک سو و حمله به چپ از سوی دیگر قرار داده‌اند تا با دخالت غرب هم رژیم استبداد اسلامی را براندازند و هم از شر چپ خلاص شوند. چه خیال خام و باطلی!

باید با صدای رسا به ایشان و همفکرانش گوشزد کرد آنکس که با ساقط کردن دولت ملی مصدق، دیکتاتوری وابسته با همه عواقبش را به مردم ما تحمیل کرد همین «جهان معرفتی» غرب شما بود. ما را به خیر تو امید نیست لطفاً شرّ مرسان! همین که شما و همفکرانتان چشم امید به «غرب در جهانی که غربی است» دوخته‌اید کافی است، لطفاً از پیچیدن نسخه زهر آگین برای مردم میهن ما صرف‌نظر کنید و خود همانند فرقه رجوی، سلطنت‌طلبان، معصومه علینژاد قمیکلاها، شیرین عبادی‌ها، گلشیفته فراهانی‌ها، نرگس محمدی‌ها، علی کریمی‌ها، مهدی‌ها و... به دامن «جهان معرفتی غرب» پناه ببرید! شمارا به خیر و ما را به سلامت! شما در وادی آویزان شدگان به «غرب طرفدار آزادی، دموکراسی و حقوق بشر» تنها نیستید هم‌نویان شما که با دلارهای «غرب آزاد» تطمیع شده‌اند گوی سبقت را از شما ربوده‌اند. (جملات در گیومه همگی از نامه خانم هدایت نقل شده‌اند).

معصومه قمیکلا عنصر خودفروخته دیگری که ناتوئی‌ها و ی را به مونیخ دعوت کرده بودند برای ارضای اربابان خود و قیحانه‌تر پا روی حقایق گذارد. او در مصاحبه با روزنامه «دی ولت» (Die Welt) در عین کتمان تجاوز ناتوئی‌ها به رهبری امریکا به خاورمیانه و نادیده انگاردن ترورهای ۷۵ ساله اسرائیل، جمهوری اسلامی را مسئول ترورها و ناامنی در منطقه می‌نماید! او در این مصاحبه می‌گوید «حمله ۷ اکتبر به خانواده‌های اسرائیلی یک حمله از قبل تنظیم شده حماس و ج.ا. ایران بود. ما راه دیگری نداریم جز نابود کردن حماس، حزب‌الله و یمن. مردم فقیر ایران باید پول خود را به حزب‌الله و حماس بدهند!!) همین طور در سوریه، لبنان، عراق. این تروریست‌ها همه به هم کمک می‌کنند. حماس تنها نیست».

این عنصر منحط و خودفروخته این دروغ‌ها را به این دلیل ردیف می‌کند تا از سوئی اسرائیل را در کنف حمایت خود گیرد و از سوی دیگر امپریالیسم امریکا و نوچه‌اش اسرائیل را ترغیب به حمله و تجاوز به ایران کند. او در همان مصاحبه خطاب به ضدامنیت‌چی‌های مونیخ می‌گوید: «اگر المان، اروپا و امریکا حرف ما را در سال گذشته در جریان مهسا امینی می‌شنیدند و رژیم ایران را ساقط می‌کردند (یعنی به ایران حمله می‌کردند) امروز حماس قادر به حمله به اسرائیل نبود!!) و این نه تنها برای خاورمیانه که برای جهان مزیت دارد.

دولت المان هنوز تردید دارد که رژیم ایران را در لیست تروریستی قرار دهد!!) رژیم ایران برای دموکراسی در جهان خطرناک است. لذا باید این رژیم را نابود کرد، در غیر این صورت آنها به المان ضربه خواهند زد». از تمام در یوزگی‌های این مزدور فقط یک چیز مستفاد می‌شود و آن اینکه غرب باید به ایران حمله کند و بر سر میهن و مردم ما همان آورد که بر سر فلسطین، افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، یمن و... آورد

**نقل از توفان شماره ۲۸۹ ارگان مرکزی حزب کار ایران فروردین ماه-حمل-۱۴۰۳**

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)